دریچه

زندگی ۹۰ درصد مردم در هوای بسیار آلوده

● **شرق:** بر اساس آخرین گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سالانه حدود هفت میلیون نفر در سراسر جهان و بیشتر در کشورهای درحال‌توسعه، جان خود را به دلیل آلودگی هوا در فضای باز و بسته از دست می‌دهند. همچنین به‌طورکلی از هر ۱۰ نفر در سراسر جهان، ۹ نفر در هوای بسیار آلوده و حتی خطرناک زندگی می‌کنند.

دبیرکل WHO دراین‌باره می‌گوید: «آلودگی هوا همه ما را تهدید می‌کند، اما بیشترین بار سنگین این موضوع، بر دوش فقیرترین مردم جهان و حاشیه‌نشینان است». به گفته او، بیش از سه میلیارد نفر از جمعیت جهان که بیشتر آنها زنان و کودکان هستند، هر روز به دلیل استفاده از منابع سوخت آلوده در خانه‌هایشان به صورت مستقیم در معرض آلودگی شدید هستند.

حدود سه میلیارد نفر -بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان- هنوز به سوخت پاک به‌ویژه برای گرمایش و آشپزی که منبع اصلی آلودگی هوای خانگی است، دسترسی ندارند.

یافته‌های WHO حکایت از آن دارد که حدود ۹۰ درصد از مردم در سراسر جهان، همچنان هوای آلوده تنفس می‌کنند و در شش سال گذشته، میزان آلودگی هوا در سطح بالایی و تقریبا ثابت باقی مانده است؛ بااین‌حال تنها در برخی از بخش‌های اروپا و آمریکا آلودگی در حال کاهش است.

بالاترین سطح آلودگی هوا نیز در منطقه مدیترانه شرقی و آسیای جنوب‌شرقی ثبت شده است که میانگین سالانه آن بیش از پنج برابر بیشتر از استانداردهای سازمان بهداشت جهانی است؛ در رتبه‌های بعدی آلودگی نیز برخی شهرهای کشورهای آفریقایی و همچنین شهرهایی در غرب اقیانوس آرام قرار دارند.

به‌طورکلی، سطح آلودگی هوا در کشورهای با درآمد بالا، به‌ویژه در اروپا، آمریکا و غرب اقیانوس آرام، پایین‌تر است. در شهرهای با درآمد بالای کشورهای اروپایی، آلودگی هوا نشان‌دهنده کاهش متوسط امید به زندگی در هر نقطه بین دو و ۲۴ ماه بسته به سطح آلودگی است.

«سولماز احدی»، کارشناس واحد پایش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، دراین‌باره گفت: با استناد به بانک داده سازمان بهداشت جهانی، تخمین زده شده است سالانه حدود هفت میلیون نفر بر اثر تنفس ذرات معلق ریز در هوا، به بیماری‌های سکته مغزی، قلبی، سرطان ریه، بیماری‌های مزمن انسدادی ریه و عفونت‌های تنفسی مبتلا می‌شوند.

به گفته احدی، در سال ۲۰۱۶، حدود ۴.۲ میلیون مرگ به دلیل آلودگی هوا در فضای آزاد رخ داده و سهم آلودگی هوا در فضای بسته در همین زمان، حدود ۳.۸ میلیون نفر بوده که بیشترین سهم مربوط به زنان و کودکان است.

آلاینده PM2.5 حاوی آلاینده‌هایی مانند سولفات، نیترات و کربن سیاه است که بیشترین خطر را برای سلامت انسان دارند. با استناد به آمار سازمان بهداشت جهانی، حدود یک‌چهارم (۲۴درصد) از کل مرگ و میر بزرگسالان از بیماری‌های قلبی، ۲۵ درصد از سکته مغزی، ۴۳ درصد از بیماری‌های انسدادی ریه و ۲۹ درصد از سرطان ریه به دلیل آلودگی هوا رخ می‌دهد.

درحال‌حاضر، اطلاعات آلودگی هوای بیش از چهارهزارو ۳۰۰ شهر در ۱۰۸ کشور جهان در پایگاه داده کیفیت هوا در سازمان جهانی بهداشت WHO سال ۲۰۱۸ قرار دارند و این پایگاه جامع‌ترین پایگاه اطلاعاتی جهانی درباره آلودگی هوا محسوب می‌شود. از سال ۲۰۱۶ اطلاعات بیش از هزار شهر به پایگاه داده سازمان بهداشت جهانی اضافه شده است که نشان می‌دهد کشورهای بیشتری به اندازه‌گیری و اجرای راهکارهای کاهش آلودگی هوا اقدام کرده‌اند. کمترین اطلاعات وضعیت آلودگی هوا (ایستگاه‌های سنجش آلودگی) در کشورهای آفریقایی و برخی از مناطق غربی اقیانوس آرام و بیشترین اطلاعات وضعیت آلودگی مربوط به کشورهای اروپایی است.

کارشناس شرکت کنترل کیفت هوای تهران اضافه کرد: در این بانک داده، غلظت متوسط ذرات ریز معلق (PM10 و PM2.5) شهرهای مختلف جهان جمع‌آوری شده است. بر اساس دستورالعمل WHO، حد مجاز سالانه آلاینده PM10 و PM2.5، به ترتیب ۲۰ و ۱۰ میکروگرم بر مترمکعب است.

در اطلاعات مربوط به شهر تهران که با استناد بر اطلاعات ۱۶ ایستگاه شرکت کنترل کیفیت هوا ذکر شده است؛ وضعیت این دو آلاینده بسیار فراتر از حد مجاز سلامت قرار داشته است. با وجود این، همچنان وضعیت شهر تهران نسبت به بسیاری از شهرهای دنیا ازجمله شهرهای منطقه خاورمیانه مناسب‌تر بوده است. همچنین با توجه به اینکه داده غلظت ذرات معلق در شهرهای مختلف دنیا مربوط به سال‌های مختلف بوده و تعداد ایستگاه‌ها، تکنولوژی اندازه‌گیری، مکان‌یابی و... درباره شهرهای مختلف یکسان نیست، امکان رتبه‌بندی دقیق شهرها از نظر آلودگی وجود ندارد.

این بانک داده همچنین شامل اطلاعات ۵۵ شهر از ایران است. در این میان، وضعیت آلاینده PM2.5 ثبت‌شده در شهرهای شهرکرد، زابل، بندر گناوه، عسلویه و اهواز، بیش از پنج برابر حد مجاز است.

گفت‌وگو با اولین معاون زن در شهرداری تهران

سکینه اشرفی از سوابق تحصیلی، تجربه‌ها و برنامه‌های خود برای معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری می‌گوید

گروه جامعه: خبر اولیه‌ای که درباره آن منتشر شد این بود: «با حکم شهردار تهران، «سکینه اشرفی» معاون برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران شد. اشرفی پیش از این معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری سیستان‌وبلوچستان بود». جز همین یک خط خبری که هفته گذشته منتشر شد، اطلاعات چندانی پیرامون او وجود نداشت، به همین دلیل برای خیلی‌ها سؤال پیش آمده بود که او چه تخصص و دانش و سابقه‌ای دارد. ما در گروه جامعه «شرق» برای یافتن پاسخ همین پرسش‌ها به سراغ خودش رفتیم تا از تحصیلات و سوابق و تجاربش بگوید. پاسخ‌های خانم اشرفی به پرسش‌های «شرق» حکایت از آن دارد که او اگرچه اولین معاون زن تاریخ شهرداری در تهران است اما به غیر از این با توجه به دانش و تجربه‌ای که دارد، به نظر یکی از بهترین انتخاب‌ها برای سمتی به اهمیت معاونت برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران است؛ چراکه او هم تحصیلات و هم همه تجارب کاری‌اش از ابتدا تا همین اواخر به صورت مستقیم مرتبط با موضوعات برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت بوده است.

سکینه اشرفی در معرفی خودش این‌طور می‌گوید: «من ۴۷ساله و متولد تهرانم و در محلات شرقی تهران به دنیا آمده‌ام و همان‌جا هم بزرگ شده‌ام. دوره لیسانس را در دانشگاه شهید بهشتی در رشته اقتصاد نظری گذراندم و ورودی سال ۷۰ بودم. سال ۷۴ در رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه الزهرا قبول شدم و سال ۷۷ فارغ‌التحصیل شدم. بعد از آن وارد بازار کار شدم و به سبب رشته تخصصی‌ام، در ادارات دولتی کار کردم، در سال ۸۱، در آزمون استخدامی سازمان برنامه و بودجه شرکت کردم و با توجه به رشته تحصیلی و آزمونی که شرکت کردم در سازمان پذیرفته شدم. البته در ابتدای کار به علت مأموریت همسرم در سازمان برنامه استان زنجان مشغول به خدمت شدم و آنجا در گروه آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای مشغول بودم و تقریبا مصادف با گزارش عملکرد برنامه سوم و ارائه برنامه چهارم و مراحل تدوین آن به مجلس شورای اسلامی در آن زمان بود که وارد سازمان برنامه شدم و از سال ۸۵ هم به صورت خاص به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که با این اسم در آن زمان مطرح بود، وارد شدم. در مدت کارم هم در حوزه‌های مختلف در سازمان برنامه و بودجه کشور کار کردم. در ابتدا در حوزه صنایع و معادن و به صورت مشخص با معاون تولیدی وقت آن زمان کار می‌کردم. بعد از چند سال که به سازمان کشوری آمدم، در دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه مشغول شدم که مصادف با تدوین برنامه پنجم بود، من مسئولیت تدوین فصل سوم مستندات برنامه پنجم را که رشد تولید و سرمایه‌گذاری بود برعهده داشتم و دیگر امور از تدوین برنامه و شرکت در کمیسیون‌های تخصصی مجلس برای تدوین برنامه را برعهده داشتم».

او در ادامه می‌افزاید: «بعد از تغییر و تحولاتی که در دولت نهم و دهم در سازمان برنامه به وجود آمد و اسم سازمان تغییر کرد و دفاتر سازمان دچار ریزش و رویش شد، من اولین فردی بودم که با توجه به سوابق منطقه‌ای که داشتم، وقتی دفتر توسعه منطقه سازمان تشکیل شد، در آن مشغول به خدمت شدم. از سال ۹۰ هم کارویژه من در این دفتر بحث ارائه و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای مناطق کمترتوسعه‌یافته بود که برای این کار تقریبا هفت منطقه فراتر از استان شناسایی شده بود تا به صورت ویژه برنامه توسعه منطقه‌ای برای آنها تدوین شود. به همین دلیل من از سال ۹۰ با هدف مشاهده حضوری و مباحث میدانی قبل از تدوین برنامه، به مناطق محروم کشور رفت‌وآمدهای مستمری داشتم و تقریبا همین رفت‌وآمدها باعث شد مناطق مختلفی را ببینم و روی منطقه سیستان‌وبلوچستان به صورت ویژه کار کردم. از سال ۹۲ نیز در دولت یازدهم به این منطقه رفت‌وآمدم افزایش پیدا کرد و به همین دلیل سه سال قبل از اینکه به عنوان معاون استاندار سیستان‌وبلوچستان انتخاب شوم، تقریبا تمام شهرستان‌ها و برخی مناطق روستاهای این استان را دیده و به مسائل آنها آشنا بودم. به‌خصوص از ابتدای دولت یازدهم با توجه به عزم دولت برای توسعه این مناطق به صورت خاص به این مناطق توجه می‌شد و توانستم ردیف‌های بودجه‌ای خاصی را برای آنها تأمین کنم».

سکینه اشرفی در رابطه با تجارب خود در زمینه تدوین برنامه ششم نیز این‌طور به «شرق» می‌گوید: «در همین حین بحث تدوین برنامه ششم نیز پیش آمد و من به صورت مستقیم با توجه به اینکه مسئولیت معاونت برنامه‌ریزی مجددا با دکتر دژپسند بود، در تدوین برنامه ششم دبیر اقتصادی کارگروه توسعه روستایی و مناطق کم‌برخوردار کشور شدم و بعد از تدوین برنامه در انتهای سال ۹۵ بنا بر پیشنهاد استاندار وقت سیستان‌وبلوچستان با توجه به شناختی که از من به وجود آمده بود و پیشینه سازمان برنامه و بودجه‌ام، به عنوان معاون اقتصادی و توسعه منابع استان سیستان‌وبلوچستان معرفی شدم و به آن منطقه رفتم. شناختم از منطقه کمکی برای من بود و همین‌طور عزم دولت و استاندار باعث شد کارهایی را پیش ببریم. در همین شرایط توانستم در تأمین اعتبارات و نقش توسعه‌ای که برای مناطق مختلف استان در نظر گرفته شده بود، سهمی داشته باشم، طی حضورم کارهایی انجام شد که از قبل شروع شده بود و ما تلاش در تسریع انجام آن داشتیم. مهم‌تر از همه چیزهایی که در دستور کار قرار داشت، توسعه منطقه‌ای و بحث توانمندسازی جوامع محلی بود و به صورت خاص با توجه به طرح‌های اشتغال، ساختار ویژه‌ای را برای استان در نظر گرفتیم و با حضور نهادهای غیردولتی و خیریه مواجه شدیم که تمایل داشتند در توسعه جوامع محلی نقش داشته باشند. این حضور بسیار مؤثر بود و توانستیم در کارهایی که جزیره‌ای انجام می‌شد، یک شبکه منسجم ایجاد کنیم».

معاون شهرداری تهران همچنین در رابطه با آشنایی خود با آقای شهردار نیز این‌طور توضیح داد: «بعد از اتمام مأموریت یک‌ساله‌ام به تهران برگشتم. آشنایی خاصی با آقای افشانی نداشتم. زمانی که من در حال خدمت در سیستان‌وبلوچستان بودم، ایشان معاون وزیر کشور بودند و ارتباط خاصی با ایشان وجود نداشت، ولی با بازدیدهای آقای افشانی در استان، با کارهای من آشنا بودند و به نظر من انتخاب صرفا بر اساس رزومه تخصصی‌ای که به دستشان رسیده بود انجام شده است، چون ما هیچ آشنایی حزبی یا قومیتی با یکدیگر نداشتیم».

اشرفی در پاسخ به این سؤال که چقدر دولت یازدهم و همچنین شورای پنجم و شهرداری را در به‌کارگیری زنان موفق می‌دانید و چقدر تخصیص سهمیه برای به‌کارگیری زنان در شغل‌های مدیریتی مهم است نیز گفت: «اینکه دولت و شهرداری جدید در به‌کارگیری زنان موفق بوده است نیاز به تحقیق و پیمایش دارد که من انجام ندادم و تحقیقی را هم که دیگران انجام داده باشند، مطالعه نکردم، ولی شاید یکی از راه‌های تشخیص موفقیت یا عدم موفقیت این باشد که بررسی کنیم آیا تخصیص سهمی که برای مدیران زن در نظر گرفته شده بود انجام شده یا نه و مسلم است که به این سهم نرسیده‌ایم و حداقل شعار دولت دراختیارقراردادن بسیاری از مناصب به زنان اتفاق نیفتاده. البته این نکته را باید بگویم که چه در زمان مدیریت در استان سیستان‌وبلوچستان و چه در زمان کار در سازمان برنامه‌وبودجه زنانی بسیار موفق را دیدم که دیده نشدند و این سقف شیشه‌ای را حس کردم که همیشه وجود داشته و الان هم وجود دارد. اینکه سهمیه‌ای برای زنان باید در نظر گرفته شود یا نشود را باید در یک نکته جست‌وجو کرد. زنان به دلیل عدم پشتیبانی شبکه‌ای نیاز به تخصیص سهمیه دارند. وقتی یک منصب مدیریتی خالی می‌شود، شبکه‌ای از مردان وجود دارد که افراد مختلفی را در نظر دارند و به صورت مداوم این افراد را برای تصدی مناصب معرفی می‌کنند. عدم شناخت از قابلیت زنان و اینکه چنین فرصتی برای زنان هرگز وجود نداشته که بتوانند در پست‌های مدیریتی خود را نشان دهند، بنابراین در ذهن افراد هم این مهم نقش نمی‌بندد که زنان به‌عنوان یک مدیر می‌توانند این مناصب خالی را پر کنند. شاید این سهم ۳۰ درصدی برای مدیریت زنان که طرح شده است باعث شود که زنان موفق و متخصص مورد توجه قرار بگیرند. شما سری به سازمان برنامه‌وبودجه، به‌خصوص در سازمان تدوین بودجه بزنید و ببینید افراد تصمیم‌ساز و تأثیرگذار اکثرا خانم‌ها هستند، ولی در لایه دیگر، افراد تصمیم‌گیر مدیر و سیاست‌گذار همه مرد هستند. وقتی که سوابق آنها را نگاه می‌کنید می‌بینید که خیلی هم متفاوت از زنان نیست، اما به دلیل سقف شیشه‌ای زنان مورد توجه قرار نگرفتند. آقای افشانی، وقتی اسم و کارکرد من را شنیده، ولی رزومه من را ندیده بودند، خودشان گفتند «فکرش را نمی‌کردند چنین رزومه‌ای داشته و چنین سطح کارشناسی را در دوره‌های مختلف گذرانده باشم».

اشرفی در ادامه تأکید می‌کند: «اکثر زنانی که توانستند به‌خاطر رزومه تخصصی به مناصبی دست پیدا کنند، قطعا ارتقای شغلی خود را از پایین طی کرده‌اند؛ یعنی این‌طور نبوده که یک‌مرتبه و بدون رزومه شغلی به مشاغل بالا دست پیدا کنند. من هم این پله‌ها را یکی‌یکی طی کردم و با توجه به اینکه بعد از فراغت از تحصیل مشغول به کار شدم، خیلی فردی نبودم که در احزاب سیاسی فعالیت خاصی داشته باشم و بنا بر این حزبی‌بودن کارکردم در نظر گرفته شوم، اما به دلیل اشتغال و درس و داشتن مسئولیت خانه فرصت فعالیت حزبی نداشتم. بحث من این است که زنان بسیاری وجود دارند و شاید این سهم ۳۰ درصدی باعث ساختارشکنی در انتخاب این زنان شود. البته در انتخاب این زنان هم بسیار مهم است که واقعا ایمان داشته باشند یک زن می‌تواند در مشاغلی که مردانه شمرده می‌شود فعالیت کند». اشرفی همچنین درباره برنامه سوم که حجت‌الله میرزایی به شورای شهر ارائه کرده نیز تأکید کرد: «من دو روز است که وارد شهرداری شده‌ام، البته فرصت را از دست نداده‌ام، برنامه را به طور کامل خواندم و همچنین از نظام‌نامه تدوین‌شده تا مراحلی که برای تدوین این برنامه و افرادی که در تدوین آن نقش داشته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. نقدهایی هم که به برنامه شده است، مورد شناسایی قرار داده‌ام. در هفته حتما برنامه‌ای با دبیران کارگروه‌های تخصصی و تدوین‌کنندگان برنامه خواهم داشت. برنامه تقریبا زمان‌بندی شده و با اعضای محترم شورا نیز درباره برنامه گفت‌وگو کرده‌ام. به نظر می‌رسد ساختارهایی که برای تدوین برنامه شکل گرفته مشکلی نداشته‌اند و من هم اگر جای آقای دکتر میرزایی بودم که از ایشان و تیم تخصصی‌شان تشکر می‌کنم، همین روند را طی می‌کردم. مراحل تدوین برنامه به درستی طی شده. البته شاید تلفیق برنامه از نظر شکلی اشکالاتی دارد، چون ظاهرا مهلت چندروزه‌ای را برای ستاد تدوین در نظر گرفته بود و همین مهلت کوتاه زمانی شاید باعث شده که برای برنامه مشکلات شکلی به وجود آمده باشد، به‌هرحال خود آقای دکتر میرزایی هم اگر بودند برنامه را حتما به لحاظ شکلی مورد بازبینی مجدد قرار می‌دادند که چیز عجیبی نیست و همیشه این موارد پیش می‌آید. انتقادها، همیشه وجود دارد و به‌هرحال من خودم را ملزم می‌دانم از این برنامه دفاع کنم. این برنامه نسبت به برنامه دوم تغییر رویکردهایی داشته و یک‌سری از انتقادات دلیلش همین تغییرات بوده و برایشان ناملموس بوده است. با توجه به تیم تخصصی‌ای که روی این برنامه کار کرده، تمام تلاش ما این است که همین برنامه در شورا پیش برود. البته هر تصمیمی که شورا بگیرد، برای ارتقای برنامه حتما اجرا می‌کنیم و بعد نوبت پیش‌بینی بحث بودجه است و با توجه به شرایطی که در کشور و تهران به‌عنوان پایتخت از لحاظ تأمین منابع ملی حاکم است، احتمال دارد تا هفته آینده برای بحث بودجه کمیته تخصصی تشکیل دهیم».

سؤال آخری که از اشرفی پرسیدیم با این پسوند بود که می‌توانید جواب ندهید. از او سؤال کردیم، زمانی که آقای افشانی از شما دعوت به کار کرد، زمزمه‌های رفتنشان بلند شده بود و حالا این زمزمه‌ها جدی‌تر شده. چقدر ورود به شهرداری را در این مقطع درست می‌دانید؟ با توجه به اینکه ممکن است با تغییر شهردار معاونان نیز تغییر کنند، چقدر این تغییرات به نفع تهران است؟ اشرفی به این پرسش‌ها این‌طور پاسخ گفت: «من از دوستان آقای میرزایی هستم. این را به آقای دکتر هم گفته‌ام... گله‌ای از سمت اصلاح‌طلبان نیز وجود دارد که اصلا چرا این پست را قبول کردم؟ بالاخره بعد از رفتن آقای افشانی یک نفر باید در این پست بنشیند. من این مسئولیت را وقتی قبول کردم که به طور صددرصد به من گفته شده بود آقای میرزایی رفته است، نه‌اینکه رفتنی است... این دو جمله با یکدیگر خیلی متفاوت است... حتی پیشنهاد خود من این بود که این اتفاق نیفتد و رفتن آقای میرزایی منتفی شود. من هم اعلام آمادگی کردم که به‌عنوان کارشناس با آقای میرزایی کار کنم، چون من وقتی از سیستان‌وبلوچستان برگشتم خود آقای میرزایی ابراز تمایل کردند که من با مجموعه ایشان همکاری کنم، اما در آن زمان یک‌سری کارهای اداری با مشکل مواجه شده بود و تا چندماه نمی‌توانستم مأمور به دستگاه دیگری شوم و این وقفه ایجاد شد که همکاری کنیم. به آقای افشانی گفتم مشکلم حل و فضا برای فعالیتم ایجاد شده و من می‌توانم فعالیتم را با آقای میرزایی آغاز کنم، اما بحث این بود که زمانی من این پست را پذیرفتم که قرار شده بود آقای میرزایی برود و رفتنشان محرز شده بود. از طرفی از هفته گذشته تا این شنبه تغییرات زیادی اتفاق افتاده و بحث ماندن یا رفتن شهردار جدی‌تر شده؛ صحبت با من حتی قبل از جلسه هم‌اندیشی با مجلس انجام شده بود، اما آن چیزی که من خودم به آن اذعان دارم این است که همیشه در مسئولیت‌هایم خیلی به طول عمر مسئولیتم کار نداشته‌ام و بیشتر به عرض عمر مسئولیت توجه داشته‌ام و از روز اول تمام تلاشم را برای انجام کار می‌گذارم و تا لحظه‌ای که مأموریتم خاتمه پیدا کند یا کنار گذاشته شوم، کار می‌کنم. من بنا بر رزومه تخصصی‌ام انتخاب شده‌ام. نه در حزب شهردار بودم، نه در طایفه شهردار، بنابراین هر فرد دیگری هم که در این مسئولیت باشد، باید در شرایط و ویژگی‌هایی که برای معاونت برنامه‌ریزی در نظر می‌گیرد، یکی از شرایط را تخصص بگذارد. اگر این موضوع قرار نگرفت، هرموقع تغییراتی صورت بگیرد، تابع تصمیمات مدیریت عالی شهرداری هستم».

خبر

آخرین آمار «سرطان» در ایران

● **ایسنا:** رئیس اداره پیشگیری از سرطان وزارت بهداشت، درباره میزان شیوع سرطان در ایران گفت: طبق آخرین گزارش‌های میزان بروز سرطان در کشور در سال ۹۳، حدود ۱۱۲هزار نفر در ایران مبتلا به سرطان هستند که زنان کمتر از نیمی از این آمار را به خود اختصاص می‌دهند. احتمال بروز سرطان در مردان و زنان به ترتیب ۱۵۷ و ۱۳۷ مورد در ۱۰۰هزار نفر است. میزان بروز سرطان در زنان پایین‌تر از متوسط جهانی (۱۶۵ نفر در هر ۱۰۰هزار نفر) است. نکته شایان‌توجه این است که در ایران نیز مانند سایر کشورهای درحال‌توسعه، میزان شیوع سرطان در حال افزایش است(پنج تا هفت درصد). دکتر علی قنبری‌مطلق، درباره شایع‌ترین سرطان‌ها در بین زنان گفت: سرطان پستان، دهانه رحم، روده بزرگ، معده و تیروئید از شایع‌ترین سرطان‌ها بین زنان هستند. برای مثال احتمال بروز سرطان پستان در ۳۵ مورد در هر ۱۰۰هزار نفر وجود دارد. او درباره اقدامات وزارت بهداشت برای پیشگیری و تشخیص زودرس سرطان گفت: برای اطلاع‌رسانی عمومی در همین راستا یکی از اقداماتی که ما انجام دادیم، تدوین و پخش بسته‌های آموزشی در شبکه‌های بهداشتی بوده است. یکی دیگر از اقداماتی که در این زمینه انجام شده، برگزاری کمپین‌ها و پویش‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی از بیماری سرطان در شهرهای مختلف بوده است. قنبری‌مطلق افزود: از دیگر اقدامات مهم وزارت بهداشت برنامه تشخیص زودهنگام سرطان‌های روده بزرگ، دهانه رحم و پستان است. این برنامه را به‌صورت آزمایشی از سال ۹۴ تا سال ۹۵ انجام داده‌ایم. درحال‌حاضر این برنامه در شبکه‌های بهداشتی توسعه یافته است. برای مثال در زمینه سرطان پستان، زنانی که نشانه‌دار هستند (عضوی از خانواده آنها سرطان پستان داشته یا در معاینه مشکلی داشته‌اند)، در سطح شبکه بهداشتی شناسایی می‌شوند و برای ارائه خدمات به سطح دو ارائه خدمات معرفی می‌شوند. او درباره اقدام دیگر وزارت بهداشت در زمینه تشخیص زودرس سرطان گفت: در زمینه پیشگیری و تشخیص زودهنگام سرطان‌های شایع در زنان (روده بزرگ، پستان و دهانه رحم)، ۱۳۷ شبکه ملی مراقبتی تحت عنوان مراکز تشخیص زودهنگام سرطان در سطح کشور دایر کردیم و بیمارانی که در سطح شبکه‌های بهداشتی شناسایی شده‌اند به این مراکز فرستاده می‌شوند. حدود صد مرکز از این مراکز آماده شده‌اند که در حال مجهزکردن به تجهیزات سرطانی هستند.

پویش ملی پیشگیری از سرطان پستان با همکاری «مای لیدی» و بهنام دهش‌پور کلید خورد

نشست خبری آغاز فعالیت پویش ملی پیشگیری از سرطان پستان با حضور اصحاب رسانه و مدیران ارشد موسسه خیریه بهنام دهش پور و شرکت زرین رویا برگزار شد.

در آغاز این نشست، بهمن دهش پور، پدر مرحوم بهنام دهش پور از موسسان این موسسه خیریه گفت: دغدغه بهنام از تشکیل این موسسه مردم نهاد، کاهش رنج و درد مبتلایان به سرطان بود و با آنکه بهنام درگیر تحمل بیماری سرطان بود، بسیار تلاش کرد تا گام های موثری در راستای حمایت از مبتلایان به سرطان و خانواده های آنان برداشته شود و بسیار خوشحالم که می بینم پس از گذشت سالها، موسسه بهنام دهش پور توانسته است به جایگاهی دست یابد که به عنوان یکی از اعضای خانواده مبتلایان به سرطان مطرح شود و حامی سلامت جامعه باشد.

حمایت‌ازسلامت‌جامعه

در ادامه این نشست خبری، لیلی رضایی، مدیرعامل موسسه خیریه بهنام دهش پور در خصوص این پویش سراسری اظهار کرد: رسالت موسسه بهنام دهش پور، حمایت از سلامت جامعه و همچنین یاری رسانی به مبتلایان سرطان است، به همین منظور و در جهت جذب حمایت مالی از برندهای مطرح، پویش سراسری و ملی پیشگیری از سرطان پستان از امروز و با همکاری شرکت زرین رویا تحت عنوان برند مای لیدی در سراسر کشور آغاز می شود.

وی افزود: موسسات مردم نهاد و خیریه در تمامی جوامع به عنوان ستونهای همیاری دولتها در حوزه های سلامت و آموزش شناخته می شوند و موسسه بهنام دهش پور نیز در طول مدت فعالیت خود، همواره تلاش داشته تا نقشی موثر در جامعه ایرانی داشته باشد و با توجه به آنکه درمان سرطان و مخصوصا سرطان پستان که به عنوان یکی از بیماری های شایع در میان زنان ایرانی شناخته می شود، بسیار زیاد است، تصمیم گرفته شد تا در حوزه پیشگیری از این سرطان پیشقدم باشیم.

رضایی با اشاره به آنکه کنترل و درمان بیماری در مرحله ابتدایی در بهبود بیمار موثر است، اظهار کرد: بسیاری از بیماران به دلایل مختلف از جمله موارد فرهنگی و اقتصادی، از بیماری خود مطلع نیستند و زمانی که به پزشک و یا موسسه دهش پور مراجعه می کنند، بیماری وارد مرحله حاد شده و امکان درمان و بهبود کاهش پیدا می کند.

مدیرعامل موسسه دهش پور در پاسخ به یکی از خبرنگاران در خصوص تفاهم نامه با برند مای لیدی و علت انتخاب این برند گفت: حامیان بسیاری برای حمایت از موسسه و مبتلایان به سرطان به ما مراجعه می کنند اما برند مای لیدی به صورت دقیق در راستای مسوولیت اجتماعی خود قصد ورود به حوزه درمان و پیشگیری سرطان سینه را داشت و با توجه به آنکه اکثریت مبتلایان تحت پوشش این موسسه را بیماران سرطان پستان تشکیل می دهند، مدیران موسسه بر همکاری با برند مای لیدی به توافق رسیدند.

حضوردرامورعام‌المنفعه

در ادامه این نشست، حیدر میزبان، مدیرعامل شرکت زرین رویا که تحت عنوان برند مای لیدی در این پویش، شراکت دارد، اظهار کرد: در ابتدا خدا را شاکرم که نعمت بزرگ کمک به هم نوع به شرکت زرین رویا اعطا شد و بسیار خرسندم که امروز خانواده بزرگ این شرکت با همکاری موسسه خیریه بهنام دهش پور، گام موثری را در جهت سلامت جامعه برمی دارد. مسوولیت اجتماعی، واژه جدیدی در ادبیات صاحبان کسب و کار ایرانی نیست. حمایت صاحبان کسب و کار از نیازمندان و کمک به هم نوع در طول قرنها در منش و مرام فعالان اقتصادی وجود داشته و اگر امروزه به عنوان یک راهکار برندسازی در دنیا مطرح است، در ایران سابقه ای تاریخی دارد. شرکت زرین رویا که با برند مای لیدی در این پویش ملی همکاری دارد، خود را موظف به حضور در امور عام المنفعه می داند.

وی افزود: جامعه شرایط اقتصادی سختی را سپری می کند و اصول شرعی و انسانی حکم می کند که به یاری هموطنان در تمامی حوزه ها و بخش ها بشتابیم. از آن جهت از کلمه شتاب، استفاده کردم، چراکه هر لحظه که از درد یک دردمند کاسته شود، لحظه ای آرامش به جامعه و در نهایت به خود ما برخواهد گشت.

میزبان اظهار کرد: اگر سعدی، حافظ، مولانا، پروین اعتصامی و سایر مشاهیر کشور که از منزلت انسانی سخن گفته اند امروز در این جمع بودند، حرکتی را آغاز می کردند که ما و با مشارکت همه اقشار جامعه و رسانه ها آغاز کردیم.

سه‌ضلع‌اساسی

همچنین آرش طوسی، قائم مقام مدیرعامل شرکت زرین رویا در ادامه نشست اظهار کرد: زن بودن زیباست و مالی لیدی برای سلامت زنان؛ این شعار برند مای لیدی است و هدف از آغاز این پویش ملی و سراسری، مراقبت از زیبایی زن ایرانی است. شرکت زرین رویا در سال ۱۳۶۵ فعالیت خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۷۸ پا به حوزه سلولزی و بهداشتی با هدف کیفیت جهانی، دانش روز و نیاز خانواده ایرانی گذاشت.

این شرکت با برندهای مای لیدی، مای بیبی و ایزی لایف، تلاش دارد تا در سه حوزه مهم زنان، کودکان و سالمندان نقش موثری داشته باشد چرا که عمده آسیبهای سلامتی در این بخش ها است.

طوسی افزود: عزت نفس، محافظت و سلامت و همچنین راحتی و آزادی سه ضلع برند مای لیدی در ارائه محصول و خدمات است و اگر امروز مای لیدی در کنار بهنام دهش پور حضور دارد، حمایت از زن ایرانی در تحقق این موضوعات است.

معاون بازاریابی و فروش شرکت زرین رویا افزود: شرکت زرین رویا نیازی به تبلیغ ندارد چرا که از هر ۳ خانه ایرانی، محصولات زرین رویا در ۱ خانه حضور دارد اما آنچه نیاز به تبلیغ و فرهنگ سازی دارد، پویش ملی پیشگیری از سرطان پستان است. فعالیت این مسوولیت اجتماعی از اردیبهشت امسال در سکوت خبری آغاز شده و اگر امروز در این نشست حضور داریم، برای دعوت به همکاری از همه اقشار جامعه و رسانه ها است.امروز در کنار شما هستیم تا از بانوان ایرانی در برابر سرطان پستان حمایت کنیم.

پویش کریم میزبان به یاد مرحوم پدر آقای میزبان و همکاری با بنیاد دانش و موسسه زنجیره امید از جمله فعالیت های اجتماعی شرکت زرین است که امیدواریم با همراهی همه آنانی که دل در گرو ایران و ایرانی دارند به ثمر بنشیند.

همچنین در پایان نشست، مهرنوش خوشخونژاد، نائب رییس و عضو هیات مدیره موسسه خیریه بهنام دهش پور در خصوص این پویش سراسری اظهار کرد: تجربه غربال گری در موسسه دهش پور در مورد سرطان سینه و شناسایی افراد بیمار و مستعد بیماری ثابت کرد که پیشگیری و شناسایی مبتلایانی که در دوره ابتدایی بیماری هستند اما از بیماری خود آگاهی ندارند، باید در اولویت قرار گیرد به همین منظور، این پویش می تواند گام مهمی در کنترل بیماری سرطان پستان باشد.

وی افزود: فرهنگ سازی رکن اصلی پویش های مردم نهاد است و آنچه در این پویش باید مورد توجه قرار گیرد، ضرورت فرهنگ سازی و آگاهی بخشی است.

نائب رییس و عضو هیات مدیره موسسه خیریه بهنام دهش پور در پایان اظهار کرد: از تمامی اصحاب رسانه و اندیشمندان و متولیان امر فرهنگ و سلامت کشور می خواهم به پویش ملی پیشگیری از سرطان پستان بپیوندند، چرا که زن سالم رکن اصلی جامعه سالم است.